

**Investigating the relationship between the government and the nation in the Islamic model from the perspective of Imam Khomeini and Imam Khamenei**

Abstract

The Islamic Republic of Iran is a government that claims to pay attention to the basic rules of Islam and according to the verses of the Qur'an and hadiths as well as the life of the Prophet (PBUH) and the Imams (AS) and finally using the power of ijtihad in Shiite jurisprudence tries to model Establish a democratic government based on Islamic rules. The framework of the Islamic model is a way to achieve both the goal of the development of the republic and the populism of the government, as well as to move towards the greater use of Islamic rules. This article examines the relationship between the state and the nation from the perspective of the two leaders of the Islamic Republic using the method of understanding and insight. The results show that Imam Khomeini in his collection of speeches and writings in Sahifa Noor and Imam Khamenei in his collection of speeches and precious statements state exactly the duties of the Islamic State as follows: implementation of divine law, lawfulness, cooperation and interaction, guidance and supervision, They consider him a servant and a religious person, and in general, the Islamic State is the trustworthy advocate of the people, who should promote religious beliefs and serve the interests of the people. The Islamic government is considered to be based on the divine law and the vote of the nation. According to him, the nation has a set of rights and duties towards the government and the government, and the government has a series of rights and duties in order to carry out its duties. The results show that these views and ideas are completely in line, which shows the common line of thought and following the Islamic model of these two leaders and their common and identical views on the relationship between the government and the nation.

Keywords: state and nation, Islamic model, Imam Khamenei, Imam Khomeini, Islamic government

## بررسی رابطه دولت و ملت در الگوی اسلامی از دیدگاه امام خمینی و امام خامنه ای

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

جمهوری اسلامی ایران حکومتی است که داعیه توجه به احکام اولیه اسلام را دارد و با توجه به آیات قران و احادیث و همچنین سیره پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) و در نهایت با استفاده از توان اجتهاد در فقه شیعی تلاش دارد تا مدلی از حکومت دموکراتیک مبتنی بر احکام اسلامی ایجاد نماید. چهارچوب الگوی اسلامی راهکاری است برای دستیابی به هر دو هدف پیشرفت جمهوریت و مردم‌گرایی حکومت و همچنین، حرکت به سمت استفاده بیشتر از احکام اسلامی است. این مقاله رابطه دولت و ملت را از دیدگاه دو رهبر جمهوری اسلامی با استفاده از روش تفهیمی و ژرف نگری مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد امام خمینی در مجموعه بیانات و مکتوباتش که در صحیفه نور آمده و امام خامنه ای در مجموعه سخنرانی و بیانات گوهربارش دقیقاً وظایف دولت اسلامی را این‌چنین بیان می‌کنند: اجرای قانون الهی، قانونمند بودن، همکاری و تعاملی، هدایتی و نظارتی، خدمتگزار و دیندارانه می‌دانند و در مجموع دولت اسلامی را وکیل و امانت دار مردم، که بایستی باورهای دینی را گسترش دهد و منافع مردم را تأمین نماید. حکومت اسلامی را مستند به قانون الهی و رأی ملت می‌دانند. به باور ایشان هم ملت دارای یک مجموعه حقوق و وظایفی در مقابل دولت و حکومت است و هم حکومت دارای یک سری حقوق و وظایفی در راستای اجرای وظایف خود برخوردار است. نتایج بدست آمده همراستا بودن کامل این دیدگاهها و اندیشه‌ها می‌باشد که نشان‌دهنده خط فکری مشترک و پیروی از الگوی اسلامی این دو رهبر و دیدگاههای مشترک و یکسان آنها نسبت به رابطه دولت و ملت است.

کلید واژه: دولت و ملت، الگوی اسلامی، امام خامنه ای، امام خمینی، حکومت اسلامی

<sup>۱</sup> مسعود جعفری نژاد دکترای علوم سیاسی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد شهرضا jafarinezhad@iaush.ac.ir

<sup>۲</sup> آسید مجتبی میری دانشجوی دکترای علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد شهرضا Mojtabamiri20@yahoo.com

<sup>۳</sup> تخلیل بهرامی قصر چمی استادیار عرفان اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دهقان، ایران \_ نویسنده مسئول

از زمانی که نظام دولت-ملت همراه با شکل‌گیری مدرنیته در اروپا ایجاد شد، یکی از مهم‌ترین موضوعات علوم اجتماعی و به‌خصوص علوم سیاسی مدرن بررسی رابطه متقابل دولت‌ها و ملت‌ها بود. با گسترش مدل دولت-ملت حول روابط سرزمینی موضوع نوع رابطه مناسب این دو عامل در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی مدرن جو اولویت‌های اساسی اندیشمندان این حوزه بود (آزرمی، حاتمی و هرسیچ، ۱۳۹۶). در اغلب کشورهای جهان سوم (به چند اصطلاح عقب‌مانده، عقب‌نگه‌داشته شده، کشورهای جنوب) دولت‌ها یا به درستی شکل نگرفتند و یا عوامل داخلی و خارجی مانعی اساسی جهت پیشرفت و توسعه آن‌ها شده‌اند. همچنین مفهوم توسعه در دهه‌های اخیر تبدیل به یک بحث محوری برای سیاست‌پژوهان شده است (دامن پاک جامی، ۱۳۹۷).

در ایران نیز انقلاب اسلامی تفکرات نوینی را مطرح کرد که نوعی دگرگونی پارادایمی از اعتقاد و باوری بود که تا پیش از آن به مدل توسعه غربی وجود داشت. در این زمان طرح نظام سیاسی که هم مبتنی بر دموکراسی به‌عنوان حق مشروع مردم در شکل‌دهی به سرنوشت خود از طریق جمهوری‌خواهی و مراجعه به اراده عمومی وجود داشت و در درجه دوم تأکید بر حکومت یک فقیه عادل داشت که قوایی حکومتی زیر نظرش به فعالیت بپردازند، خود یک‌راه جدید و نظر جدید در امور کشورداری بود (محمدی، دانش مهر و بیچرانلو، ۱۳۹۲). در همین راستا نظام اسلامی مدلی از توسعه را انتخاب کرد که در تقابل واقعی با سایر مدل‌هاست. به این صورت که با استفاده از ظرفیت‌های تاریخی ایرانی و ارزش‌های مکنون در آن و ایجاد پیوند با شئون و آرمان‌های اسلامی بتوان راهی و مدلی ایجاد کرد که منجر به توسعه پایدار جامعه اسلامی در چهارچوب نظام سیاسی ولایت‌فقیه‌ی شود.

در مدل لیبرال دموکراسی مورد توجه جوامع غربی بر حقوق فرد به‌عنوان اصلی‌ترین واحد تحلیل و جدای از جامعه تأکید می‌شود. در همین راستا انتخاب آزادانه، بی‌طرفی ارزشی، تأکید بر آزادی‌های مدنی و اجتماعی است که در نهایت به قول هانا آرنست موجب به وجود آمدن جامعه توده‌ای و منفرد می‌شود (ارنت، ۱۳۶۶: ۴۲). در مقابل اما مدل مورد نظر جامعه اسلامی - ایرانی همانگونه که از بیانات رهبر معظم انقلاب (آیت‌الله خامنه‌ای) پیداست، با تأکید بر توانایی‌های فردی و جمعی، پیوند با ارزش‌های دینی و ایرانی، شناخت توانایی‌های هر دو برای استفاده از آن در جهت شکوفایی و پیشرفت جامعه تأکید دارد (مرتضی دامن پاک جامی، ۱۳۹۷). این مدل اساس حرکت را بر رابطه متقابل دولت و ملت (یا به‌نوعی امام و امت) می‌داند و سعی دارد با تکیه بر شیوه‌های حکمرانی پیامبر و علی (ع) نظام سیاسی مدینه را به‌نوعی بازنمایی کند. به این ترتیب در این چهارچوب برخلاف مدل غربی توسعه تنها یک مفهوم مادی نیست بلکه بر جنبه‌های معنوی و دینی آن نیز تأکید زیادی می‌شود. به این معنا که تلاش دولت و یا حاکم تنها صرف ساختن رفاه اجتماعی افراد در دنیا

<sup>۱</sup>- مراد از توسعه، توسعه همه‌جانبه در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... است

<sup>۲</sup> Paradigm shift

<sup>۳</sup>-State crafting

<sup>۴</sup>Framework

نیست و دولت اسلامی برای خود مسئولیتی آسمانی هم می‌بیند و آن ساختن آخرت اتباعش هست (فیرحی، ۱۳۸۲). به همین سبب این مدل از روش‌ها، جهان‌بینی‌ها و معرفت‌شناسی مجزایی از مدل غربی برخوردار است و سعی دارد الگویی را ارائه و تبیین کند که بهترین سازگاری را با ارزش‌های اسلامی داراست.

جمهوری اسلامی ایران اما حکومتی است که دایعه توجه به احکام اولیه اسلام را دارد و با توجه به آیات قران و احادیث و همچنین سیره پیامبر و ائمه معصومین بدنال ارائه یک الگو از حکومت دموکراتیک مبتنی بر احکام اسلامی می‌باشد. در این چهارچوب الگوی اسلامی که از طرف دومین رهبر انقلاب اسلامی (آیت‌الله سید علی خامنه‌ای) ارائه شد، راهکاری است برای دستیابی به هر دو هدف پیشرفت جمهوریت و مردم‌گرایی حکومت و همچنین، حرکت به سمت استفاده بیشتر از فقه اسلامی.

لذا این مقاله به دنبال تبیین ارتباط دولت و ملت در چهارچوب مدل اسلامی آن است و می‌خواهد توضیح دهد که این دو مفهوم، در الگوی اسلامی چه ویژگی‌هایی دارند؟ ارتباط آنها در الگوی اسلامی چیست؟ دیدگاه‌های دو رهبر جمهوری اسلامی در الگوی اسلامی ایرانی کدامند؟ ماهیت این دیدگاهها مشترک است یا متفاوت؟ از دیدگاه امامین، ویژگی‌های ملت (امت) در اسلام بر اساس عقیده و اعتقاد به منابع و مراجع دینی حکومت است نه بر مبنای وابستگی قومی و جغرافیایی در ای راستا با استفاده از ظرفیت‌های امت اسلامی و با توجه به احکام اسلام و منابع فقه شیعی در جهت پیشرفت مادی و معنوی جامعه اسلامی استفاده خواهد کرد و امام موتور حرکت جامعه و با تکیه بر معارف اسلامی تلاش می‌کند تا مدینه فاضله مورد نظر جامعه اسلامی را به منصفه ظهور گذارد.

## ۲- پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع پژوهش، نکته قابل اشاره در مورد پژوهش‌های صورت گرفته حول موضوع این مقاله این است که صاحب‌نظران رشته سیاست دقیقاً به پژوهش در باب این موضوع به‌نوعی نپرداخته‌اند که خود نیاز به بررسی دارد. اما دسته‌ای از آثار مرتبط با بحث این مقاله است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌گردد.

**داوود فیرحی (۱۳۸۸)** در مقاله **سیمای عمومی نظام سیاسی و دولت در اسلام** بیان می‌کند که برخلاف نظام سیاسی قدیم که بر دو عنصر اقتدار و اطاعت تأکید داشتند، نظریه‌های جدید اسلامی نوعاً تمایلات مردم‌گرایانه و دموکراتیک دارند که با این فرض، آن‌ها در مقابل نظریات اقتدارگرایانه سنتی شکل گرفتند. نظریات قدیم نظام سیاسی محصول دورانی است که دولت اسلامی در سلطنت ایرانی و الگوی اقتدارگرایانه آن استحاله یافته و یا به‌عبارت دیگر نهادینه شده بود. اما نظریات جدید عموماً زاده دورانی تاریخی‌اند که جوامع اسلامی در حال تحول به‌نوعی از زندگی سیاسی جدید هستند، که گذشته از برخی جنبه‌های غرب‌گرایانه و حاشیه‌ای آن، شاید بتوان روند عمومی دولت جدید در جهان اسلام را تحت عنوان «تجدد اسلامی» جلوه داد. فیرحی فهرست ویژگی‌های چهارگانه و مختصات مشترک نظریه‌های جدید نظام سیاسی شیعه و اهل سنت را عبارت می‌داند از: مشارکت‌جویی، قانون‌گرایی، نهاد محوری، استقلال یا تفکیک قوا و پذیرش مرزهای ملی و سرزمینی.

رشید رکابیان (۱۳۹۶) در مقاله خود تحت عنوان **رابطه دولت و جامعه را در اندیشه سیاسی امام خمینی** به بررسی این موضوع می‌پردازد و عنوان می‌نماید، رابطه دولت و جامعه در اندیشه امام خمینی بر اساس چه ویژگی‌هایی و چگونه می‌توان تبیین نمود و در ارتباط با موضوع رابطه دولت و جامعه نظریه‌های مختلفی بیان شده است. این نظرات رابطه را بر معیار اقتدار دولت و جامعه یا ضعف دولت و جامعه بررسی نموده‌اند. در اندیشه و تفکر حضرت امام برخلاف نظریه‌های مطرح شده، رابطه دوطرفه تعریف می‌شود، رابطه دولت و جامعه به صورت حمایتی، مشارکتی، همکاری جویانه، هدایتگری، دینگرایی، خدمتگزاری و جز آن تبیین می‌شود. از این رو، امتداد دولت بر اساس امتداد جامعه و بالعکس تعریف، مکمل، و لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند.

شریف لک زایی (۱۳۸۴) با دیدگاهی مشابه به فلسفه سیاسی هگل در مقاله **الگوی رابطه فرد و دولت در نظام اسلامی** معتقد است در یک جامعه اسلامی، فرد، دولت و جامعه در یک راستا حرکت خواهند کرد. بنابراین خیر و صلاح فرد همان خیر و صلاح جامعه است و خیر و صلاح جامعه همان خیر و صلاح دولت هست. این دیدگاه بر این فرض استوار است که حقوق و تکالیف از ناحیه خداوند ابلاغ شده‌اند و به همین دلیل خداوند و دین او حاکم نهایی می‌باشند. از این رو زیربنای همه مباحث مربوط به حکومت، شریعت الهی است که ازلی و ابدی بوده که مبین خیر و خوبی مطلق و مقدم بر جامعه و دولت است. قوام و موجودیت جامعه آن هنگام است که شاهد حضور خداوند در دنیای تاریک باشد، زیرا کار حکومت در جامعه اساساً اجرای شریعت الهی هست. به اعتقاد وی در اسلام وجود قانون پیش از وجود دولت هست و دولت تنها هدفش حفظ و اجرای شریعت است.

یاور امیری، میلاد خدایی و اسماعیل طاهری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان **رابطه دولت و ملت در نظام حقوقی اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی نهج البلاغه** معتقدند که رابطه دولت و ملت در اسلام مثل رابطه پدر و پسر است. دولت باید بر اساس تکلیف الهی عمل نموده و پست‌ها را بر اساس شایستگی تقسیم کند و صداقت در رفتار و پیشگامی در علم و عمل را با اجرای عدالت عجین ساخته و نسبت به مردم خیرخواه باشد. ملت نیز باید مسئولین را انتخاب کند و بر آن‌ها نظارت داشته باشد و به آن‌ها مشورت دهد. در این راستا امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به دولت انجام دهد.

علیرضا شجاعی زند (۱۳۹۳) در پژوهش خود تحت عنوان **بازخوانی نقش دین در توسعه با نظر به اغراض تشکیل حکومت اسلامی** به دنبال نشان دادن لزوم عطف توجه به نقش و جایگاه دین در الگوی توسعه جمهوری اسلامی ایران است و این مقصود را در گام نخست با تفکیک میان جنبه‌های مختلف بحث دین و توسعه و در گام دوم با طرح و رفع برخی از تردیدهای وارده به نقش آفرینی دین در توسعه انجام می‌دهد. این بررسی نشان می‌دهد که همانطور که نمی‌توان نیاز دین به توسعه در معنای عام را انکار کرد، نیاز توسعه به دین یا به فلسفه زندگی نیز یک امر انکارناپذیر است. در این پژوهش نویسنده سه فرضیه اساسی را در نظر می‌

گیرد. نخست، الگوی توسعه جمهوری اسلامی ایران به معنی دقیق کلمه باید متمایز از الگوی سایر ملل باشد. دوم، نباید برای کم کردن فاصله با ملل توسعه یافته به دنبال کپی برداری از آنها باشد. سوم، اگر این موارد انجام نشود، به این معناست که هم به غرض تشکیل حکومت دینی و هم به اقتضائات توسعه بی اعتنایی کرده است. این اثر با استدلالات مناسب و پژوهشی عمیق نشان داده که می توان برای توسعه و پیشرفت از مسیری خودی و آشنا حرکت کرد و ارزش های اساسی جامعه را در پرتو توسعه فنا نکرد. پیشرفت یک فرایند چندبعدی است که فقط یک بخش آن شامل تغییر در ساختارها و نهادهاست که جنبه ظاهری دارد.

**مجتبی احمدیان و روح اله اسلامی (۱۳۹۲)** در مقاله خود تحت عنوان **نگرش سنجی رابطه دولت و ملت در ایران** با استفاده از روش شناسی کیو در تعیین رابطه متقابل دولت و ملت و در نتیجه تعیین میزان مقبولیت و کارآمدی نظام می پردازند. در این پژوهش با استفاده از شناسایی فضای گفتمان موجود با گزینش افرادی با نگرشهای متفاوت و نظرخواهی از آنان، نظرات آنها را بررسی کرده و با تحلیل عاملی از افرادی با نظرات مشابه در کنار هم قرار گرفته و ذهنیت افراد هر گروه را مورد بررسی قرار می دهند. نتایج این پژوهش نشان می دهد نوع نگرش مردم به رابطه دولت و ملت و به تبع آن نقش خود در کارآمدی حکومت، عامل تعیین کننده ای در نوع نگاه آنان به مسائل و مشکلات کشور و شیوه رفتار سیاسی و اجتماعی آنان است که لزوم توجه مدیریت کلان کشوری نسبت به مدیریت افکار عمومی و اصلاح نگرش مردم در این زمینه را نشان می دهد.

**ابراهیم موسی زاده و فاطمه السادات ضیغمیان (۱۳۹۷)** در پژوهش خود تحت عنوان **جایگاه رهبری جامعه در حکومت اسلامی در رسائل دینی ۱۳۵۷-۱۳۴۲** با استفاده از روش تحلیلی - تاریخی و بررسی همبستگی این موضوعات دریافته اند که مهمترین پرسش مطروحه در این خصوص این است که در این آثار برای رهبری نظام اسلامی چه الگو و قالبی طراحی شده است؟ نتایج تحقیق نشان می دهد گذشته از محوریت شورای مسلمین که ریشه در تاریخ صدر اسلام دارد، ولایت انتصابی فقیه و حتی موضوع شورای فقهت همه قالبها برای طرح و مدیریت مسئله رهبری در آثار متفکران این سالها بوده است. مطالعات رسائل حکومت اسلامی گواه است که پس زمینه های فکری و بستر نظری قانون اساسی و رهبری نظام از سابقه دیرین برخوردار است. از این رو نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر این نظریات، به عنوان گفتمانی اصیل ریشه در سالهای قبل از پیرزی انقلاب داشته است.

**منصور انصاری و توحید خدائی داش تپه (۱۳۹۶)** در مقاله خود تحت عنوان **رابطه دولت و مردم در جوامع اسلامی در اندیشه سیاسی شهید بهشتی** را مورد بررسی قرار می دهد در این تحقیق شهید بهشتی به عنوان یکی از اندیشمندان اسلامی به نظریه پردازی پرداخته است و محققان این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی به صورت تفسیری زمینه ای به دنبال پاسخ پرسش در اندیشه شهید بهشتی چه رابطه ای بین مردم و دولت وجود دارد؟ بوده اند. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که در اندیشه شهید بهشتی رابطه مردم و دولت با گفتمان دولت قوی و جامعه قوی قابل تطبیق است اندیشه شهید بهشتی در چهار بعد سیاسی،

اقتصادی، قضایی و حقوقی بررسی شده است و رابطه بدست آمده دوسویه و مبتنی بر اعتماد متقابل است که باعث ایجاد دولت و ملت قوی می‌شود.

### ۳- روش تحقیق

گیورژی تعبیر مشهور و زیبایی در مورد پژوهش دارد، او می‌گوید پژوهش عبارت است از دیدن آنچه که دیگران دیده‌اند و اندیشیدن آنچه را که هیچ‌کس نیندیشیده است. پژوهش به واسطه اکتشافاتی که انجام می‌دهد، ایده‌هایی که به تأیید می‌رساند یا رد می‌کند (حسن روحانی، ۱۳۸۸). روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش به صورت تحلیل کیفی بوده است. روش کیفی یا ژرف‌نگر یا تفهیمی و یا توصیفی روشی است که بر یک دیدگاه فلسفی (تفسیر گرایانه) مبتنی است و توجه آن به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی معطوف است (شریفی، ۱۳۸۰، ص ۲۷۰). محققین کیفی نوعاً، تحقیق را در شرایط طبیعی انجام می‌دهند. آنها چیزی را دستکاری نمی‌کنند و هیچگونه دخالتی در شرایط ایجاد نمی‌نمایند (علی‌دل‌اور، ۱۳۸۸). روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته، بدین‌صورت که تمامی داده‌ها و مفاهیمی همچون ملت و دولت، دیدگاه‌های ۲ امام انقلاب و مقایسه آنها با یکدیگر از بطن آثار دسته اول دینی همچون قرآن، بیانات اندیشمندان اسلامی، پژوهش‌های قبلی محققان، سخنرانی‌ها و بیانات و ... برداشت، طرح مسئله و مورد بحث، بررسی و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

### ۴- رابطه دولت و ملت

از دیدگاه اسلام و آیات کلام الله، مردم یکی از ارکان اساسی حکومت اسلامی می‌باشند. قرآن آخرین کتاب آسمانی می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط...»؛ یعنی ما پیامبران خود را با دلایل و مستندات روشن فرستادیم، و برای ایشان کتب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (سوره مبارکه الحديد آیه ۲۵). در این راستا امت یا همان ملت در تعبیر مدرن آن دارای حقوق و وظایفی است که آن را در نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌ها متمایز می‌کند. حضرت امام خمینی نیز به عنوان بنیان‌گذار نظام جمهوری اسلامی که یکی از اشکال نظام سیاسی جدید در جهان اسلام محسوب می‌شود همواره بر نقش مردم در حکومت تأکید می‌کردند و مردم را یکی از پایه‌های حکومت اسلامی می‌دانستند و در بیانات خود همواره بر لزوم اتکای حکومت به مردم، عدم تحمیل بر مردم، رضایت مردم و نظارت مردم تأکید می‌ورزیدند.

به جهت کنکاش در مناسبات دولت و جامعه نظریه‌های گوناگونی وجود دارد که از مهم‌ترین آنها، نظریه میگدال، نظریه اونیل و نظریه ریچارد لیتل می‌باشد. این نظریه پردازان از زاویه قوی و ضعیف بودن دولت و جامعه به رابطه این دو اقدام کردند. ایران دوره پهلوی را می‌توان بر اساس این نظریه‌ها تجزیه و تحلیل کرد.

°Albert Szent Gyorgy

بر این اساس، تبیین رابطه متقابل جامعه و دولت در ایران همواره از سوی شمار قابل توجهی از پژوهشگران مسائل ایران مد نظر بوده است (رشید رکیبان، ۱۳۹۶). نظریاتی نظیر حکومت مطلقه شرقی،<sup>۶</sup> شیوه تولید آسیایی،<sup>۷</sup> نظریه پاتریمونیالیسم،<sup>۸</sup> نظریه نوسازی<sup>۹</sup> و ... که بیشتر مورد توجه بوده اند (آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۶). در همه نظریه های یادشده، دولت خود را فراتر از ملت می داند و هیچ رابطه ای بین ملت و دولت وجود ندارد. بلکه رابطه در برهه ای از ادوار تاریخ ایران تخصصی بوده است، که این رابطه تخصصی در مواردی به تقابل کشیده می شد که به پیروزی دولت بر جامعه منجر می شد مانند دوره پهلوی اول و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ یا به پیروزی جامعه بر دولت منجر می شد که نمونه آن پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود. اما همه این نظریه ها مربوط به ایران دوره استبداد بوده است (رشید رکیبان، ۱۳۹۶). در پژوهش حاضر بررسی رابطه دولت با ملت در اندیشه و دیدگاه دو رهبر جمهوری اسلامی ایران امام خمینی و امام خامنه ای که الگوهای اسلامی مدنظر آنها بوده است. بر این اساس، تطبیق تبیین رابطه دولت و ملت در اندیشهای دو امام با نظریه های یادشده بسیار متفاوت است. در واقع، در واقع دیدگاههای اسلامی آنها نوع رابطه را به سوی کمال گرایی و سعادت انسان تعریف و تبیین می کند.

#### ۵- دیدگاه فقهای شیعه

آنچه در فقه شیعه، به عنوان ادله موجب حجیت امور و احکام می شود، همان ادله چهارگانه کتاب، سنت، عقل و اجماع است. در نظریات و مباحث فقها و علمای شیعه، تمامی این ادله چهارگانه مورد استناد قرار گرفته است.

گروهی از فقها، عقیده دارند که نتیجه شورا برای «ولی امر» و کل نظام الزام آور است. رشید رضا در تفسیر المنار در تفسیر «اولی الامر» می گوید:

«دانستیم که اولی الامر یعنی صاحبان امر امت در حکومت و اداره مصالح امت که همان «امر» است که در آیه: «وَأْمُرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸) به آن اشاره شده است. ممکن نیست که شورا بین همه افراد امت باشد. بنابراین معین می شود که باید شورا در میان جماعتی باشد که نماینده امت اند... و این جماعت کسانی جز اهل حل و عقد که بارها از آنان یادشده، نیستند» (رشید رضا، ص ۲۱۰: جلد ۵) صاحب المنار می گوید:

«بر حاکمان واجب است که به آنچه اولی الامر - ا صاحب شورا - تصمیم می گیرند، حکومت، و آن را اجرا کنند» (رشید رضا، ص ۱۸۷: جلد ۵).  
دکتر محمد رأفت عثمان می گوید:

<sup>۶</sup>Oriental Despotism

<sup>۷</sup>Asiatic Mode of Production

<sup>۸</sup>Patrimonialism

<sup>۹</sup>Modernialism



«از این رو، به نظر مابین آرای مجلس شورا و رأی امام، پیوندی محکم برقرار است. بنابراین واجب است که امام در برابر رأی اکثریت اعضای شورا تسلیم باشد» (آصفی، ۱۳۹۱).

استاد عبدالرحمن عبدالخالق در این باره می‌گوید:

«با توجه به دلایل صریح، یقین داریم که یکی از مقتضیات حکم شورا در اسلام، عمل به رأی اکثریت مشاوران است. مشاور، چنانکه رسول خدا (ص) فرموده، مورد اعتماد است. پس کسانی که امت آنان را امین خود می‌دانند و رأی، و نظر در مسائل سیاسی و اجرایی جامعه را به آنها می‌سپارند بر حاکم مسلمان است که نظر اجتماعی آنان را اجرا کند و نیز واجب است که رأی اکثریت آنان، همان رأی راجحی باشد که اجرای آن واجب است. این نظام، آن‌گونه که برخی ادعا می‌کنند، از نظام‌های ساخته غرب و اختراعات دموکراسی نیست، بلکه یک نظام اصیل اسلامی است که همچون کارهای نیک فراوان دیگر، از تمدن غرب منتقل شده است و امروز گروهی از ما شدیداً منکر آن هستند، زیرا آنان در شرایط قهر و سلطه زیسته‌اند و نظام‌های فاسدی را برانداخته‌اند که بیهوده خود را به اسلام منتسب کرده بودند» (آصفی، ۱۳۹۱: ۳۹۵).

اما علمای شیعه در مورد شورا، دیدگاه دیگری دارند. «خلاصه دیدگاه آنان این است که: تعلیق اقدام بر عزم پیغمبر (ص) به‌طور خاص: «فاذا عزمتم فتوکل علی الله» (آل عمران/۱۵۹)، بدون نظر شورا، دلالت دارد که رأی اکثریت در شورا نه برای ولی امر (حاکم) الزام‌آور است و نه برای دستگاه‌های اجرایی دولت بلکه فقط ارزش توجیهی و هدایتگری در تصمیمات دولت دارد نه ارزش الزامی تکلیفی».

در اینجا به تعدادی از نظرات فقها و علمای شیعه اشاره می‌کنیم.

صاحب تفسیر آلاء الرحمن می‌گوید:

«شاوهرم فی الامر» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹)، و آنان را اصلاح کن و دل‌هایشان را با مشورت در اختیار گیر، نه از این جهت که در راه نمودن و آگاه کردن به کار شایسته او را فایده توانند رسانند. چگونه چنین کاری از آنان ساخته است، در حالی که خداوند مرشد و راهنمای او است: «و ما یَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ یُّوحَىٰ» فاذا عزمتم، هرگاه بر آنچه خداوند به نور نبوت به تو نشان داد و تو را راه نمود، فتوکل علی الله، به خدا توکل نما».

اگر شورا برای رسول خدا (ص) الزام‌آور بود، تعلیق اقدام بر عزم آن حضرت بی‌معنا می‌شد بلکه مناسب‌تر آن بود که فرمان می‌داد در اجرای رأی صحابه در آنچه با آنان مشورت کرده، بر خدا توکل نماید.

شیخ مفید ذیل آیه ۱۵۹ سوره آل عمران، می‌گوید:

«آیه روشن است و مضمون آن بر این مطلب دلالت دارد: مگر نمی‌بینی که فرموده خداوند متعال: «وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» وقوع فعل را بر عزم پیغمبر (ص) معلق کرده است نه به رأی و مشورت آنان. اگر امر به مشورت با صحابه برای راه یافتن به رأی آنان بود، به پیغمبر (ص) می‌گفت: «فاذا اشاروا علیک فاعمل» هرگاه نظر دادند، عمل کن، یا «اذا اجتمع رأیهم علی شیء فامضه» هرگاه نظرشان بر یک چیز تعلق گرفت، آن را امضا کن. زیرا در این صورت اقدام حضرت به مشورت وابسته و معلق می‌شد، نه به عزمی که اختصاص به شخص او دارد».

محدث قمی در «سفینه البحار» می‌گوید:

«مگر نمی بینی که در آیه «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» وقوع فعل به عزم پیغمبر (ص) معلق شده نه به رأی و مشورت آنان. اگر مشورت برای استفاده و استعانت بود، می گفت: فاذا اشاروا عليك فاعمل: هرگاه نظر دادند، عمل کن و یا هرگاه درباره چیزی رأی همه یکی بود، آن را امضا کن» (قمی، ۱۳۹۵: ۷۱۷).

دیدگاه اکثر دانشمندان همین است که عمل کردن به رأی شورا هیچ الزامی ندارد. بنابراین دیدگاه، هرچند ظاهر آیه مبارکه وجوب شورا و مشورت بر پیغمبر (ص) است، و البته اهداف ویژه‌ای در این نکته نهفته است، اما عمل مطابق آراء بیان شده، نه تنها بر آن حضرت واجب نیست بلکه مطابق دستور صریح خداوند، می بایست مطابق آنچه خود به مصلحت دعوت و صلاح کار امت می داند، با توکل به خدای یکتا عمل نماید.

در روایات نیز بر این نکته تأکید شده که هرچند رسول خدا (ص) با اصحاب مشورت می کرد، اما آنچه خود تشخیص می داد، عمل می کرد. به عنوان نمونه، معمر بن خطاب گوید: «یکی از موالی امام رضا (ع) به نام سعد مرد، امام به من گفت: مردی بافضیلت و امین به من معرفی کن. من گفتم: من کسی را به تو معرفی کنم؟ در حالتی شبیه غضب به من گفت: همانا رسول خدا (ص) با یارانش مشورت می کرد، سپس بر آنچه می خواست تصمیم می گرفت» (حرعاملی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). به نظر می رسد با تفکیک تصمیم سازی از تصمیم گیری در سیره سیاسی، اجتماعی پیامبر (ص) بتوان به جمع بندی نظراتی که تاکنون گفته شد، پرداخت.

مقصود از تصمیم سازی، فرآیندی است که در آن اقداماتی برای فراهم شدن زمینه های لازم برای گرفتن یک تصمیم انجام می گیرد. اقداماتی از قبیل تهیه دستور جلسه و طرح مسئله مورد مشورت، طرح دیدگاه های موافق و مخالف و در نهایت، ارائه استدلال بر این دیدگاه ها، فرآیندی را تشکیل می دهند که می توان از آن ها به فرآیند تصمیم سازی یاد کرد. اما تصمیم گیری ناظر به مرحله ای است که در آن یک دیدگاه ترجیح داده می شود و به عنوان دیدگاه پذیرفته شده اعلام می گردد.

## ۶- دیدگاه امام خمینی

در دیدگاه امام خمینی دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که در پرتو پابندی به این حقوق و ایفا و استیفای آن ها، پایه های حکومت استحکام یافته و جامعه سامان می یابد. در خصوص وظایف دولت در برابر مردم باید گفت یکی از حقوق اساسی مردم که دولت و دولتمردان در نظام دینی موظف به رعایت و تحقق آن هستند، توجه به آرای ملت و احترام به نظریات و افکار توده های مردم است (صحیفه نور، جلد ۳ ص ۲۷).

از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) دولت و مردم دارای حقوق متقابلی هستند که در پرتو پابندی به این حقوق و ایفا و استیفای آن ها، پایه های حکومت استحکام یافته و جامعه سامان می یابد. در خصوص وظایف دولت در برابر مردم باید گفت یکی از حقوق اساسی مردم که دولت و دولتمردان در نظام دینی موظف به رعایت و تحقق آن هستند، توجه به آرای ملت و احترام به نظریات و افکار توده های مردم است (صحیفه نور، جلد ۳ ص ۲۶).

در اندیشه سیاسی حضرت امام، تأمین استقلال جامعه و تضمین آزادی های مردم، از مهم ترین حقوق ملت بر دولت است، امام رحمت الله در این زمینه می فرمایند:

«این مردم هستند که حق می‌گویند، حق خودشان را طلب می‌کنند، آزادی حق مردم است؛ استقلال یک مملکت حق اهل این مملکت است.»

امام در خصوص گروه‌های مختلف سیاسی اعتقاد داشتند که هیچ‌گاه آزادی هیچ فرد و گروهی سلب نشده و هر کس آزاد است اظهار عقیده کند ولی افراد و گروه‌ها برای توطئه کردن آزاد نیستند. سیاست و حکومت از دیدگاه اسلام و بالطبع در اندیشه سیاسی حضرت امام(ره)، به نفسه هدف نبوده، بلکه ابزاری برای انجام وظایف دینی، احقاق حقوق مظلومین و اقامه قسط و عدالت اجتماعی است. اگر امام علی(ع) به‌عنوان زمامدار ایدئال و فرمانروای دادگستر، حکومتی را که در پرتو آن حقوق بیچارگان از گردن کشان اعاده نگردد، در پست‌ترین جایگاه توصیف می‌کند، در اندیشه حکومتی حضرت امام(ره) نیز، «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است» اما در همین راستا امام(ره) به بحث پاسخگویی تأکید می‌ورزند و شایسته می‌دانند که مسئولان پیوسته درباره عملکرد خود در دوره مدیریتشان پاسخگو باشند و گزارشی از فعالیت‌های خود را به مردم ارائه دهند. ایشان همواره بر بازگو کردن خدمات ارزنده قوای سه‌گانه به مردم تأکید فراوان داشتند.

از جمله اقدامات ارزشمند حضرت امام (رحمت‌الله علیه) صدور فرمان هشت ماده‌ای جهت رعایت حقوق شهروندی و حفظ حریم خصوصی کلیه آحاد ملت بود که در آن ایشان حداقل بر ۲۰ مورد حقوق شهروندی و لازم‌الاجرا بودن آن تأکید ورزیدند.

در خصوص حقوق دولت بر مردم و در باب حمایت و پشتیبانی باید گفت: همان‌گونه که در کلام امیر مؤمنان علی(علیه‌السلام) نیز آمد، قوام و استحکام دولت منوط به حمایت همه‌جانبه از دولت بوده و این از حقوق زمامدار اسلامی بر مردم است که او را در انجام برنامه‌های اصلاحی، تربیتی و خدماتی‌اش مساعدت و یاری رسانند. در نظریات حکومتی امام خمینی رحمت‌الله، حمایت و پشتیبانی مردم از دولت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دولت عنوان شده که انجام آن آثار و برکات گرانبار و مهمی را برای نظام اسلامی به همراه خواهد داشت و از سوی دیگر بجا نیاموردن این حق، پیامدهای تلخ و ناگواری را برای جامعه و مردم موجب خواهد شد. اگر حضرت امام در موارد مختلفی از بیانات خویش، بر اتکای به مردم، امید دادن به آن‌ها و جلب حمایت آنان تأکید می‌کنند، از این‌روست که حمایت مردم را موجب استحکام نظام و وظیفه آنان در برابر دولت می‌دانند.

به این ترتیب، مشاهده می‌کنیم که ماهیت این رابطه بر اساس منابع اسلامی همچون قرآن، سنت پیامبر و ائمه و رویه‌های عملی رهبران انقلاب اسلامی و اندیشمندان اسلامی بیشتر جنبه دوطرفه و تکمیلی دارد. این مهم بدین معنی است که هم ملت دارای یک مجموعه حقوق و وظایفی در مقابل دولت و حکومت است و هم حکومت دارای یک سری حقوق و وظایفی در راستای اجرای وظایف خود برخوردار است. بدین شکل که این رابطه نه به صورت آنچه در دموکراسی‌های غربی وجود دارد است و نه حکومت‌های کمونیستی شرقی، بلکه ماهیت حکومت و رابطه آن با ملت بر اساس ارزش‌های بومی اسلامی و ایرانی که دارای ویژگی‌های اصیل خاص خود است.

امام خمینی در مجموعه بیانات و مکتوباتش که در صحیفه نور آمده وظایف دولت اسلامی را این چنین بیان می‌کند: اجرای قانون الهی و قانونمند بودن، عادل باشد، خدمتگزار مردم و برای مردم باشد، او استدلال می‌کند که دولت اسلامی وکیل و امانت‌دار مردم است و بایستی باورهای دینی را گسترش دهد و منافع ملت را تأمین کند. او همچنین حکومت اسلامی را مستند به قانون الهی و رأی مردم می‌داند. همچنین حکومت را تابع رأی مردم می‌داند و معتقد است که پیامبر اسلام (ص) بر این نظر بودند که حکومت اجازه ندارد برخلاف خواست مردم حرکت کند. به باور ایشان حکومت اسلامی می‌بایستی دارای استقلال داخلی از همه طبقات و استقلال بین‌المللی خود را در عرصه جهانی حفظ کند. همچنین ایشان معتقد بودند که حکومت ملزم به حفظ و گسترش آزادی‌های ملت است و از آن دفاع کند تا مردم بتوانند آزادانه عقایدشان را بدون ترس بیان کنند. ایشان همچنین وظایفی را برای ملت اسلامی قائل هستند که عبارت‌اند از: حمایت و پشتیبانی از دولت، نظارت بر دولت، مشاوره به آن نهاد، حضور مداوم در صحنه سیاست و مقاومت مردم در برابر دشمنان داخلی و خارجی می‌داند. به طور خلاصه امام خمینی رابطه دولت و ملت را در اجرای قانون الهی، قانونمند بودن، همکاری و تعاملی، هدایتی و نظارتی، خدمتگزار و دیندارانه می‌داند و در مجموع دولت اسلامی را وکیل و امانت‌دار مردم می‌داند.

#### ۷- دیدگاه امام خامنه‌ای

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در مورد نقش مردم در زمامداری اسلامی اعتقاد دارد که در اسلام هیچ ولایت و حاکمیتی بر انسان‌ها مقبول نیست، مگر اینکه خدای متعال تشخیص کند. ما هر جا که در مسائل فراوان فقهی که به ولایت حاکم، ولایت قاضی یا به ولایت مؤمن - که انواع و اقسام ولایات وجود دارد - ارتباط پیدا می‌کند، شک کنیم که آیا دلیل شرعی بر تجویز این ولایت قائم هست یا نه، می‌گوییم نه؛ چرا؟ چون اصل، عدم ولایت است. این منطق اسلام است. آن‌وقتی این ولایت مورد قبول است که شارع آن را تنفیذ کرده باشد و تنفیذ شارع به این است که آن‌کسی که ولایت را به او می‌دهیم - در هر مرتبه‌ای از ولایت - باید اهلی است و صلاحیت یعنی عدالت و تقوا داشته باشد و مردم هم او را بخواهند. این منطق مردم‌سالاری دینی است که بسیار مستحکم و عمیق است.

در اسلام مردم یک رکن مشروعیت‌اند، نه همه پایه مشروعیت. نظام سیاسی در اسلام علاوه بر رأی و خواست مردم، بر پایه اساسی دیگری هم که تقوا و عدالت نامیده می‌شود، استوار است. اگر کسی که برای حکومت انتخاب می‌شود، از تقوا و عدالت برخوردار نبود، همه مردم هم که بر او اتفاق کنند، از نظر اسلام این حکومت، حکومت نامشروعی است. بنابراین، پایه مشروعیت حکومت فقط رأی مردم نیست؛ پایه اصلی تقوا و عدالت است؛ منتها تقوا و عدالت هم بدون رأی و مقبولیت مردم کارایی ندارد. لذا رأی مردم هم لازم است؛ اما شرط کافی نیست. مشروعیت دادن به رأی مردم و بیعت مردم؛ این یک اصل اسلامی است. (بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با دانشجویان دانشگاه قزوین، ۸۵/۶/۲۵).

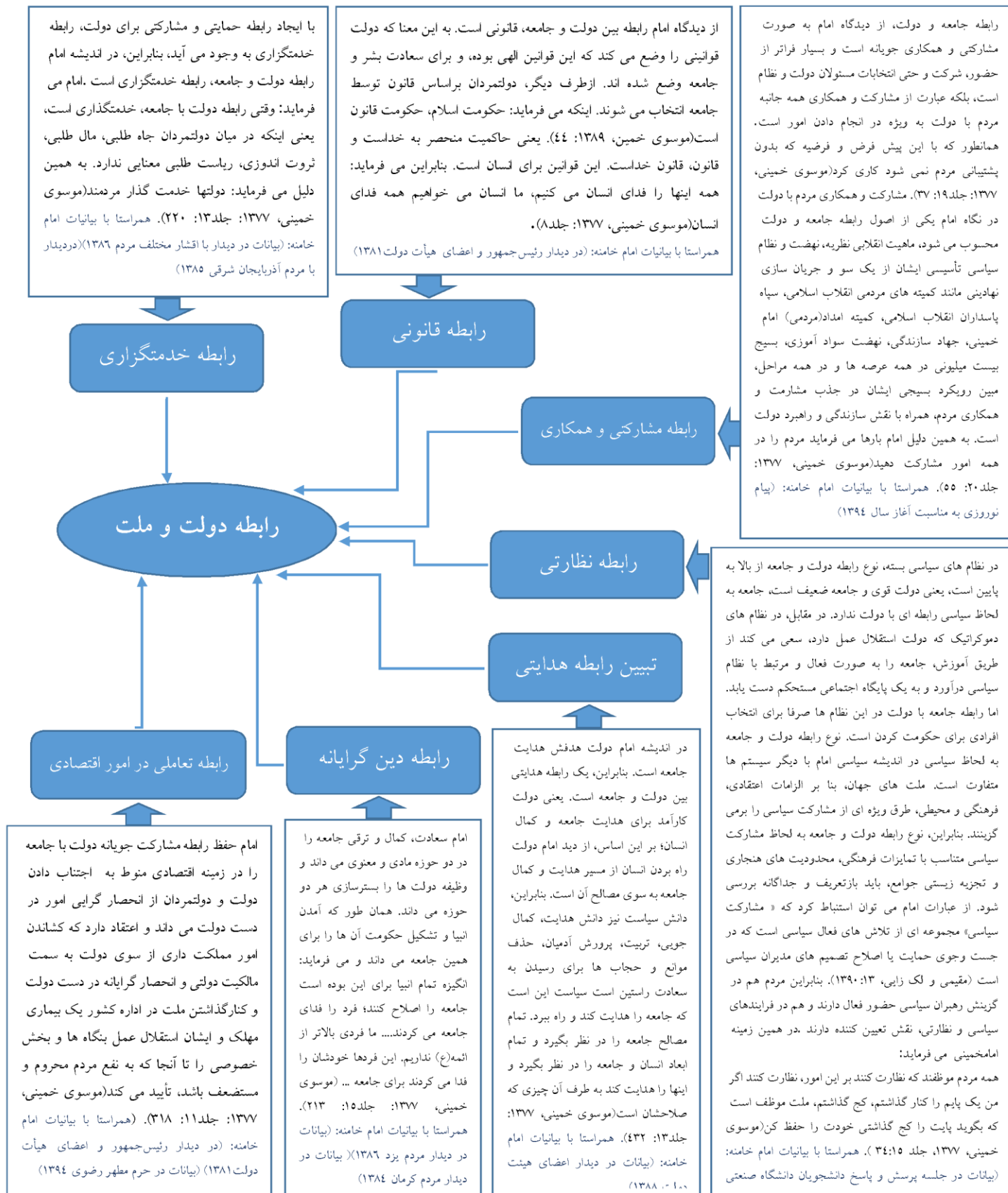
به نظر ایشان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر پایه اسلام، ولی فقیه و مردم شکل گرفت (خامنه ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱)، از این رو، نظریه دولت ایشان، بر پایه جمهوری اسلامی و مردم سالاری دینی و مبتنی بر شریعت و مردم است. به اعتقاد ایشان، مردمی بودن، راز اصلی انقلاب و نظام ماست و به دلیل اینکه نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه مردم و اسلام است و دشمن نیز این را می داند، درصدد است با تفرقه افکنی و ایجاد دشمنی میان مردم و مسئولان، به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزند گرفت (خامنه ای، ۱۴ خرداد ۱۳۶۱). به نظر رهبر معظم انقلاب، حکومت مردمی و مردم سالاری دینی، بدین معناست که بر اساس فرمان خدا، به مردم اجازه و امکان تصمیم گیری در سرنوشت خود و اقدام داده شده است و حکومت الله با حکومت مردم هیچ منافاتی ندارد. در قرآن کریم هم درباره بنی اسرائیل آمده است: وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِى الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً (قصص، آیه ۵) در واقع، حکومت مردم، به معنای حکومت خدا و در چارچوب احکام الهی و شرع مقدس است. به اعتقاد ایشان، مردمی بودن حکومت اسلامی، دو معنای دو وجهتی دارد: ۱) نقش دادن به مردم در حکومت در چارچوب احکام الهی برای تعیین سرنوشت خود ۲) حکومت در خدمت مردم و خدمتگزار مردم (خامنه ای، ۱۴ مرداد ۱۳۶۲). امام خامنه ای در مجموعه بیانات و مکتوباتش (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۸۶) (در دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۵) (در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱) (پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴) (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹) (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸) (بیانات در دیدار مردم یزد ۱۳۸۶) (بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴) (در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱) (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴) و بسیاری محافل خصوصی و عمومی دیگر دیدگاههای و نظرات کاملاً مشترکی با امام خمینی در خصوص نحوه ارتباط و تعامل دولت و ملت در الگوی اسلامی دارد.

#### ۷- الگوی دیدگاه امام خمینی و امام خامنه ای در نوع رابطه دولت و ملت

در مجموع با بررسی گفته ها و بیانات دو رهبر جمهوری اسلامی ایران در کتابها و مقالات و سخنرانی ها و .. نوع رابطه دولت و جامعه بر اساس مؤلفه های گوناگونی تبیین و تفسیر می گردد و قابل استخراج است. که در ابتدا امام خمینی این مؤلفه ها را مدنظر قرار داده است. همچنین با نگاهی دقیقتر به اندیشه ها و دیدگاههای امام خامنه ای نیز دقیقاً همین موارد قابل بیان و اثبات است و نشاندهنده خط فکری مشترک و پیروی از الگوی اسلامی این دو رهبر و دیدگاههای یکسان آنها نسبت به رابطه دولت و ملت است.

## شکل ۱: الگوی دیدگاه امام خمینی و امام خلمنه ای در نوع رابطه دولت و ملت

۱۶۸۲



وجود یک الگو برای پیشرفت در چهارچوب ارزش‌های دینی و ملی امری بسیار حیاتی برای همه کشورها به صورت عام و ایران به صورت خاص می‌باشد. با توجه به میراث استعمار در کشورهای مختلف جهان و حرکت غیرارادی آن‌ها به سمت توسعه غربی و لیبرال و تجربه شکست در این مسیر برای بسیاری از کشورهای غیر غربی الزام ساخت و پرداخت یک مسیر و الگوی اسلامی که بتواند هم‌ارزهای دینی و هم ارزش‌های ملت و دولت را مورد توجه قرار دهد مهم می‌باشد. در این راستا با توجه به بیانات امامان خمینی و خامنه‌ای در مورد شکل‌دهی به الگویی که هم جنبه‌های مادی، هم جنبه‌های معنوی، هم جنبه‌های علمی و هم جنبه‌های زندگی اخلاقی انسان مسلمان ایرانی را در چهارچوب روابط دولت و ملت مدنظر قرار دهد، این الگو با توجه به تعاریف، الگوی اسلامی، نقشه حرکت ابعاد مختلف جامعه برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی هست. با توجه به اینکه مهم‌ترین عرصه‌ی تعیین شده در الگو، پیشرفت معنویت است؛ لذا نقشه راه پیشرفت می‌بایست به گونه‌ای تنظیم شود که به لحاظ مبانی فکری، روش اجرا و محصولات تولیدی در جهت گسترش معنویت و تعبد الهی قرار گیرند. طراحی، تولید و تدوین الگوی اسلامی ارتباط بین دولت و ملت، یک گام جهشی در مسیر تعالی ایران اسلامی است. همان‌طور که اشاره شد، با توجه به نیاز مبرم و اساسی کشور جهت پیشرفت و توسعه زیرساخت‌ها چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی طراحی و پیگیری یک الگو و نقشه راه بسیار حیاتی جلوه می‌دهد.

از این رو امام خمینی و رهبر انقلاب کنونی امام خامنه‌ای با طرح الگوی اسلامی ارتباط دولت و ملت و بیان شاخصه‌های اساسی آن و حوزه‌های مهم عملیاتی در حقیقت نقشه راه این فرایند پرفراز و نشیب را طراحی کردند. این الگو از بسیاری از جهات با سایر الگوها، مدلها، و نقشه راه‌هایی به ملل یا امت‌های دیگر طی نمودند متفاوت است. اساس این طرح و نقطه قوت آن در این موضوع نهفته است که در طراحی و پی‌ریزی ساختارهای بنیادین آن به اصول، عقاید، سنن و رویه‌های اسلامی توجه شده است. این یعنی پیگیری مدلی از توسعه که سازگار با ویژگی‌های بومی یک حوزه، منطقه، ملت یا امت در همسازی حداکثری به سر می‌برد. با توجه به مسائل مطرح شده در بالا باید توجه داشت که اصولاً مدل‌های دیگر یا به شکست انجامید و یا با اصول و عقاید دینی و ملی ما همخوانی ندارد. لذا باید توجه داشت که در صورت انتخاب نقشه راهی همچون الگوی لیبرال دموکراسی غربی یا سوسیالیسم-کمونیسم شرقی یا تضادهای اساسی در اصول جوهری و عقاید امت و ملت ما وجود داشت و یا زیرساخت‌های اساسی آن وجود نداشت.

«مردم‌سالاری دینی به معنای ترکیب دین و مردم‌سالاری نیست، بلکه یک حقیقت واحد جاری در جوهره نظام اسلامی است؛ چراکه اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بد مردم نمی‌شود؛ ضمن آنکه تحقق مردم‌سالاری واقعی هم بدون دین امکان‌پذیر نیست».

سایر پژوهش‌های مرتبط با این حوزه نیز روابط دولت و ملت را از جنبه‌های مختلف بررسی نموده‌اند و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی همچون آیت الله بهشتی، دکتر شریعتی و ... را در این حوزه بررسی نموده‌اند و حتی پژوهش رشید رکابیان در سال ۱۳۹۶ تحت عنوان تبیین رابطه دولت و جامعه را در اندیشه سیاسی امام

خمينی به صورت مورد بررسی قرار داده است. نجف لک زایی و رقيه جاويدی در سال ۱۳۹۷ در پژوهش خود نظريه دولت در اندیشه سياسي آيت الله خامنه ای را مورد بررسی قرار می دهند. مقاله حاضر نیز به نوعی ادامه مباحث این پژوهشها را بسط داده است و دیدگاه ها و اندیشه های سياسي ارتباط دولت و ملت را هم از دیدگاه امام خمینی و هم دیدگاهها و بیانات امام خامنه ای مورد بحث و بررسی قرار داده است و نکته جالب در نتایج بدست آده همراستا بودن کامل این دیدگاهها و اندیشه ها می باشد که نشاندهنده خط فکری مشترک و پیروی از الگوی اسلامی این دو رهبر و دیدگاههای مشترک و یکسان آنها نسبت به رابطه دولت و ملت است.

نتایج این پژوهش نشان می دهد امام خمینی در مجموعه بیانات و مکتوباتش که در صحیفه نور آمده و امام خامنه ای در مجموعه سخنرانی و بیانات گوهربارش دقیقاً وظایف دولت اسلامی را اینچنین بیان می کنند: اجرای قانون الهی، قانونمند بودن، همکاری و تعاملی، هدایتی و نظارتی، خدمتگزار و دیندارانه می داند و در مجموع دولت اسلامی را وکیل و امانت دار مردم می داند که بایستی باورهای دینی را گسترش دهد و منافع مردم را تأمین کند. حکومت اسلامی را مستند به قانون الهی و رأی ملت می داند. به باور ایشان هم ملت دارای یک مجموعه حقوق و وظایفی در مقابل دولت و حکومت است و هم حکومت دارای یک سری حقوق و وظایفی در راستای اجرای وظایف خود برخوردار است. بدین شکل که این رابطه نه به صورت آنچه در دموکراسی های غربی وجود دارد است و نه حکومت های کمونیستی شرقی، بلکه ماهیت حکومت و رابطه آن با ملت بر اساس ارزش های بومی اسلامی که دارای ویژگی های اصیل خاص خود می باشد



## قرآن کریم.

نهج البلاغه (ترجمه شهیدی و مرحوم دشتی).

- امام خمینی و خامنه ای، ولایت فقیه، سایه حقیقت عظمی، تهیه و تدوین: دفتر فرهنگی فخرالائمه، تهران: نشر سازمان اوقاف و امور خیریه «اسوه»، ۱۳۸۸.

- امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱، ۲، ۴، ۵، ۱۵، ۱۶ و ۲۱، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱.

- امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۸) «حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی»، تبیان، دفتر ۴۵، تهران: تدوین و نشر: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸) صحیفه ی نور، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، ولایت فقیه حکومت اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

- خامنه ای، سید علی (۱۳۷۹). بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

- خامنه ای، سید علی، توضیح المسائل مراجع، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸.

- سید علی خامنه ای (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۸۶) (در دیدار با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۸۵) (در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱) (پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴) (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹) (بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸) (بیانات در دیدار مردم یزد ۱۳۸۶) (بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴) (در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱) (بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴)

- دبیرخانه نشست اندیشه های راهبردی، (۱۳۹۱)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، قم: نشر پیام عدالت..

- سخنان مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.

- سروش، محمد (۱۳۷۸) دین و دولت در اندیشه ی دینی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- صحیفه نور، (۱۳۷۰)، مجموعه رهنمون های امام خمینی ره، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- فوزی، یحیی (۱۳۹۳)، اندیشه سیاسی امام خمینی، چاپ ۲۱، تهران، معارف..
- فیرحی، داوود، (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، نشر سمت، بهار.
- کدیور، محسن، ۱۳۷۹، دغدغه های حکومت دینی، تهران، نشر نی.
- علامه جعفری (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه، جلد ۵، تهران: نشر فرهنگ دانش.
- عنایت، حمید (۱۳۷۲)، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه ی بهالدین خرم شاهی، تهران، خوارزمی، چاپ سوم.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، امامت و رهبری، انتشارات صدرا، قم، چاپ چهاردهم..
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۲ق، مجمع الفوائد و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، نشر اسلامی.
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه امام، ۲۲ جلد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- نهج البلاغه، (۱۳۹۰) ترجمه محمد دشتی، قم: دارالعلم.
- آذرنگ، ندا و پیروزی، عبدالله (۱۳۹۵)، بررسی نقش مردم در حکومت اسلامی و مبانی نظری آن از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه حضور، تابستان، ۴۴ص، تهران.
- ابراهیم زاده آملی، نبی الله، ۱۳۷۹، منشأ مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی ره، حکومت اسلامی، ش ۱۵، ص ۱۶۵-۱۸۱.
- مشکات، محمد (۱۳۸۲). منابع، مبانی و مؤلفه های مردم سالاری دینی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۴.
- مجموعه مقالات نخستین همایش ملی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، گروه تخصص پیشینه و نقد (۱۳۹۲)، تهران. انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- آزرمی، علی و حاتمی، عباس و حسن هرسیج (۱۳۹۶)، برسنجش تاثیر فضای مجازی بر میزان شکافت دولت و ملت در ایران پس از انقلاب، فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی، سال ششم، پاییز، شماره ۲۲، صفحات ۲۹-۷
- محمدی، جمال و دانش مهر، حسین و عبدالله بیچرانلو (۱۳۹۲)، ارزیابی انتقادی روایت میشل فوکو از انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشهای انقلاب اسلامی، سال سوم، زمستان، شماره ۹، صفحات ۱۰۹-۱۲۵
- احمدیان، مجتبی و روح الله اسلامی (۱۳۹۲)، نگرش سنجی رابطه دولت و ملت در ایران (روش شناسی کیو)، فصلنامه سیاستهای راهبردی و کلان، سال یکم، زمستان، صفحات ۱۳۳-۱۰۷
- شریفی، حسن و نسترن شریفی (۱۳۸۰)، روش تحقیق در علوم رفتاری، تهران، انتشارات سخن

- مرتضی دامن پاک جامی (۱۳۹۷)، تحول دیپلماتی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بررسی دستاوردهای چهار دهه گذشته و چالش‌های پیشرو، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۴، زمستان، صفحات ۹۱-۱۵۸
- موسی زاده، ابراهیم و فاطمه السادات ضیغمیان (۱۳۹۷)، جایگاه رهبری جامعه در حکومت اسلامی در رسائل دینی ۱۳۵۷-۱۳۴۲، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار، صفحات ۲۳۵-۲۲۱
- حسن روحانی (۱۳۹۷)، زمینه‌ها و رویکردهای پژوهش کیفی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۴، بهار، صفحات ۲۹-۷
- انصاری، منصور و توحید خدائی داش تپه (۱۳۹۶)، رابطه دولت و ملت در جوامع اسلامی در اندیشه اسلامی شهید بهشتی مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، دوره: ۳، شماره: ۱۲
- علی دلاور (۱۳۸۸)، روش شناسی کیفی، فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۴، بهار، صفحات ۳۲۹-۳۰۷
- لک زایی، نجف و رقیه جاویدی (۱۳۹۶)، نظریه دولت در اندیشه آیت الله خامنه‌ای، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۱، بهار، شماره: ۸۱
- محمدی، جمال؛ دانش مهر، حسین؛ بیچرانلو، عبدالله؛ (۱۳۹۲)، ارزیابی انتقادی روایت میشل فوکو از انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، زمستان، سال سوم - شماره ۱ علمی-پژوهشی، ۱۷ صفحه - از ۱۰۹ تا ۱۲۵
- آرنت، هانا (۱۳۶۶)، توتالیتاریسم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جاویدان.
- فیرحی، داوود، (۱۳۸۲)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: نشر سمت، بهار.
- رشید رکیبان (۱۳۹۶)، تبیین رابطه دولت و جامعه در اندیشه سیاسی امام خامنه‌ای، فصلنامه سیاست متعالیه، سال ششم، شماره ۲۰، بهار، صفحات ۸۰-۶۳
- یاور امیری (۱۳۹۴)، رابطه دولت و ملت در نظام حقوقی اسلام با تکیه بر آموزه‌های دینی در نهج البلاغه در راستای برقراری نظم و امنیت در جامعه، دانش انتظامی کرمانشاه، پاییز، شماره ۲۲.
- داوود فیرحی (۱۳۸۸)، سیمای عمومی نظام سیاسی و دولت در اسلام، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان، شماره ۱۴.
- شریف لک زایی (۱۳۸۴)، الگوی رابطه فرد و دولت در نظام سیاسی اسلام، پگاه حوزوی، زمستان، شماره ۷۷.

علیرضا شجاعی زند (۱۳۸۷)، بازخوانی نقش دین در توسعه با نظر به اغراض تشکیل حکومت اسلامی، فصلنامه علمی پژوهشی متین، ۱۳۸۷ شماره ۴۱

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۸)، کتاب مردم در سیاست ایران، ترجمه بهرنگ رجبی، تهران، نشر نی.

-رشید رضا، محمد (۱۴۱۴.ه.ق)، تفسیر المنار، سید محمد موسویان.